

جایگاه عفو و صلح در آموزه های دینی

فاطمه زمانی

کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی مدرس دانشگاه پیام نور

چکیده

گذشت که معادل آن در فرهنگ دینی ما واژه های عفو، صفح، غفران است، از جایگاه والایی برخوردار می باشد و در جایی معنی پیدا می کند که انسان قدرت بر انتقام دارد. در این مقاله سعی شده است با تعمق در قرآن کریم و احادیث نبوی و ائمه اطهار به بررسی مفهوم عفو و نیز آثار و برکات آن در زندگی فردی و اجتماعی افراد پرداخته شود. همچنین با بررسی روانشناسانه تاثیرات عفو یا عدم آن، به نتایج اجتماعی و روانی آن نیز پرداخته شده است. روشی که در این مقاله به کار برده شده است روش تفسیری و تحلیلی است و بهاین نتایج نایل شده است که انسان های باگذشت به مغفرت و رحمت الهی دست یافته و از پاداش های اخروی بهره مند می شوند و هر چه این صفت الهی در ایشان رشد کند آنان را به سوی کمال و نایل شدن به مقام محسنین و قرب الهی سوق می دهد و در پرتو فضیلت اخلاقی دشمنان سرسخت به دوستان صمیمی تبدیل می شوند، و جلوی تسلسل ناهنجاری ها و خشونت های اجتماعی تا حدودی گرفته می شود و صلح و دوستی را برای همه اقشار جامعه از هر صنفی و مذهبی و مسلکی به ارمغان می آورد. البته این به معنای آن نیست که اسلام خشونت را مطلقاً مردود می داند، چون در برابر معاندان و آن مواردی که احقاق حق و نشر عدالت جز با اعمال خشونت ممکن نیست، اسلام شدت عمل را لازم می داند و مجازات و انتقام را در چارچوبهایی مشخص می کند.

واژه های کلیدی: عفو، حدیث، قرآن، آثار عفو، صلح

مقدمه

عفو و گذشت، یکی از اصول مهم اخلاقی اسلام به شمار می رود و اسلام تأکیدات فراوانی در این زمینه دارد. پیداست که در جامعه که افشار مختلف با عقاید و اخلاق و رفتار مختلف زندگی می کنند حقوق بسیاری ممکن است توسط دیگران تضییع یا نادیده گرفته شود و اگر قرار باشد همه دراستیفای حقوق خود سخت گیری کنند و هیچ گونه اغماض و چشم پوشی نداشته باشند جامعه به طور پیوسته شاهد منازعات و خصومات اعضای خود خواهد بود و این مسئله زندگی را برای همگان تلخ و غیر قابل تحمل خواهد ساخت. استاد مطهری از خواجه عبدالله انصاری این جمله را نقل کرده که فرموده است. بدی را بادی کردن سگ کاری است و خوبی را خوبی کردن خرکاری است، بدی را نیکی کردن کار خواجه عبدالله انصاری است (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۲۳).

از این رو بنا بر دستورات اسلام پس از فرو خوردن خشم و جلوگیری از قهر و غضب در برابر یکدیگر و بردباری باید نسبت به هم عفو، بخشش، گذشت و اغماض داشته باشیم و کسی که صاحب عفو و گذشت باشد مقام و منزلتی بس والا نزد خداوند دارد.

بطور کلی در مسائل شخصی اگر حقی از آدمی پایمال شد شایسته است عفو و گذشت داشته باشد، چرا که خداوند صاحب عفو را بسیار دوست دارد و به او پاداش و رحمت الهی را وعده داده است، گذشت، صفت خدایی است و خداوند است که خلق را می آرزد و عفو آدمی شبیه کار خداوند است و با این صفت انسان متعلق به اخلاق و صفات الهی می شود. گذشت از بهترین فضائل اخلاقی و سرآمد آن هاست باشد چنانکه حضرت علی علیه السلام می فرماید: «العفو تاج المکارم: گذشت تاج همه خوبی هاست» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۰، ص ۳۶۶).

در این مقاله سعی شده است تا با روش تفسیر قرآن و احادیث در چندین بخش به موضوع عفو و بخشش پرداخته شود. که ابتدا با توضیحی درباره پیشینه عفو و بخشش در فرهنگ اسلامی ما و پیامبران پیشین و اهمیت و مراتب آن پرداخته شود و به بررسی آثار و نتایج عفو گذشت پرداخته می شود.

۱- عفو و پیشینه ی آن

عفو در لغت، به معنای ترک چیزی (معجم مقابیس اللغة) یا صرف نظر کردن از چیزی است که اقتضای نظر و توجه دارد (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن).

عفو، پیشینه ای کهن دارد و از زمانی آغاز می شود که آدم ابوالبشر دچار اشتباه شد و از میوه ی ممنوعه خورد. پی آمد این رفتار آدم، هبوط از بهشت و پا گذاشتن به زمین بود، البته آدم بخشیده شد و مشمول رحمت خداوند گردید مدت زیادی از این حادثه نگذشته بود که قابیل، برادرش هابیل را به قتل رساند و قلب آدم ابوالبشر را رنجور ساخت، اما او نیز بخشیده شد.

یکی از زیباترین جلوه های عفو و بخشش، برخورد حضرت یوسف (ع) با برادرانش است. فرزندان یعقوب، بی رحمانه ترین جفاها را به یعقوب و یوسف روا داشتند. تا آن جاکه یوسف نوجوان را با ترند و حیله از پدر جدا نمودند و به چاه انداختند. یعقوب (ع) چهل سال در فراق پسرش یوسف سوخت و چشمانش بر اثر گریه و اندوه سفید و نابینا شد (یوسف، آیه ۸۴). ولی همین یوسف (ع) وقتی بر مسند رهبری مصر نشست و برادران خطاکارش عذر خواهی کردند، بی درنگ آنان را بخشید و فرمود: لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو ارحم الراحمین. (یوسف، ۹۳) ملامت و توبیخی بر شما نیست، خداوند شمارا می بخشد و مهربان ترین مهربانان است.

زیبایی بخشش یوسف (ع) در این است که برادران خود را در زمان قدرت مندی و توانایی بر انجام انتقام، می بخشد و این صفت کریمان است. عفو در فرهنگ رسولان را با آن چه از سوی بعضی از صاحبان مکاتب بشری توصیه شده، مقایسه کنید تا به ارزش کار پیامبران و رهبران دینی پی ببرید.

بعضی از روانشناسان معتقدند: ستیزه جویی با سرشت بشر آمیخته شده و او نمی تواند خود را از این صفت دور کند. نیچه، فیلسوف معروف می گوید: باید آفت و رقت قلب را دور انداخت، آفت از عجز است. فروتنی و فرمانبرداری، فرومایگی است. حلم و حوصله و عفو و اغماض، از بی همتی و سستی است. نفس کشتن چرا؟ باید نفس را پرورد. غیر پرستی چیست؟ خود را بایدها کرد تا از میان برود. (سیر حکمت در اروپا، ص ۸۷).

افرادی مثل فروید بر اساس غریزه ی ستیزه جویی، وجود جنگ را در جهان توجیه می کنند و بر این باورند که نمی توان مانع ارضای آن شد (فلسفی، ص ۳۲۸). طبق این نظریه انتقام جویی نیز همانند جنگ باید اجتناب ناپذیر باشد، زیرا انتقام نوعی جنگ است. به هر حال کظم غیظ و ستیزه جویی، ناشدنی نیست و باتمیرین و تقویت اراده و جهاد بانفس می توان کنترل آن را به دست گرفت و به جای آن، وعفو گذشت را اختیار کرد.

۲- اهمیت عفو و بخشش

مسئله عفو بخشش و نکوهش انتقام و کینه توزی در ادیان آسمانی و در دین اسلام بویژه در قرآن از اهمیت بالایی برخوردار است که در ذیل به برخی از موارد اهمیت آن اشاره می شود:

- عفو از دستور ابروردگار است: قرآن مجید می فرماید «خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین (اعراف، ۱۹۹). عفو را بگیر و مردم را به کارهای نیک دستورده و از نادانان روی بگردان»

- عفو، در رأس همه ی ارزش ها قرار دارد و امام علی (ع) می فرماید «العفو تاج المکارم گذشت، زینت فضایل اخلاقی است» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۰). پیامبر اکرم (ص) نیز می فرماید: «بخشیدن کسی که به شما آسیب رسانده، بهترین اخلاق دنیا و آخرت است. (قمی، ۱۴۱۲). در مقابل، نداشتن روحیه ی گذشت، بدترین عیب محسوب می شود. امام علی (ع) می فرماید «کمی گذشت، زشت ترین عیب ها و شتاب نمودن برای انتقام، بزرگ ترین گناه است. (تمیمی، ص ۱۴۰)

- عفو یکی از نیکوترین صفات پروردگار است. قرآن مجید می فرماید «فان الله کان عفوقدیر ا خداوند، بخشنده و تواناست» (نساء، ۱۴۹).

- در فرهنگ اخلاقی و قضایی اسلام، گرایش به عفو و بخشش بر مجازات و کیفر عمل، تقدم و برتری دارد. امام علی (ع) به مسلمانان توصیه می کند حتی در مواردی که باشد بدترین نوع جنایت و خیانت به خود مواجه می شوند و از مجرم منزجر می گردند، باز آشتی و کینه ی او را به دل نگیرند و کینه را با کینه پاسخ نگویند، بلکه از موضعی کاملاً اخلاقی و انسانی با مجرم برخورد نمایند «ولا تطلبن مجازات اخیک و لو حث التراب بفیك. خواستار کیفر برادرت مباش، گرچه خاک در دهان تو ریزند.» (حرانی، ۱۳۸۰، ص ۷۸). رویه ی عملی آن حضرت نیز چنین بود. روزی او مشغول سخن رانی بود در همان حین شخصی سوال کرد و حضرت پاسخ وی را گفت. یکی از خوارج در میان مردم فریاد زد «قاتله الله ما فقهه، خدا او را بکشد چقدر دانشمند است.» مردم خواستند متعرض وی شوند اما امام (ع) فرمود: زهائش کنید، و فقط به من فحش داد (مطهری، ص ۱۴۴).

در این جا این سؤال مطرح می شود که اگر گذشت نکردن و انتقام گرفتن برای صاحبان قدرت ناپسند است، پس چرا خداوند در قرآن مجید خود را منتقم توصیف کرده است؟ مثلاً می فرماید «انامن المجرمین منتقمون» (سجده، ۲۲).

در پاسخ می گوئیم انتقام گیری بشری با انتقام گیری خدا از نظر انگیزه متفاوت است. انتقام بشری در حقیقت جبران حقارت اوست. کسی که از خصم خود آسیب دیده به انگیزه تشفی خاطر و آرامش درونی دست به کارهای تلافی جویانه می زند و خشونت را با خشونت پاسخ می دهد و با انتقام، ناکامی اش را جبران نماید، بلکه انتقام الهی به معنای کیفر گناه کاران بر اساس حق و عدالت است.

سؤال دیگر آن است که آیا عفو و گذشت از دیگران، به معنای ظلم پذیری نیست؟ در پاسخ باید گفت عفو با ظلم پذیری، متفاوت است. ظلم پذیری، حاکی از ضعف و ترس و سستی اراده است، در حالی که عفو، نشانه ی قوت نفس و کرامت و بزرگواری است. اسلام با ظلم کردن و ظلم پذیرفتن مخالف است. از این رو دفاع از مال و جان و ناموس را واجب کرده است.

و جوب دفاع از خود، پیش از وقوع ظلم است، اما گذشت پس از وقوع ظلم است. قوانین جزایی و کیفری اسلام، دقیقاً به منظور احقاق حق مظلومان و برقراری عدالت اجتماعی و پیش گیری از ظلم و جنایت است. ولی گذشت مقوله ای است که در مرحله دوم و پس از اثبات جرم و مشخص شدن ظالم و مظلوم، قابل اجراست. بنابراین انسان هم می تواند عفو کند و هم می تواند تقاضای حق خود کند، به هر حال انسان مختیر است، ولی وقتی پیامبر (ص) و امامان (ع) عفو را پیشه خود ساختند پس ما هم مطیع این معصومان هستیم (نگارنده).

۳- مراتب عفوگذشت

از قرآن چنین برمی آید که برای عفوسه مرحله است: عفو، صفح و غفران. آن جاکه می فرماید: «وان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فان الله غفور رحیم». اگر عفو کنید و صرف نظر کنید و گنه کار را ببخشید، خدا شما را می بخشد (تغابن، ۶۳).

مرحله نخست عفو، ترک انتقام و هرگونه عکس العمل است.

مرحله دوم، صفح به معنای روی برگرداندن و نادیده گرفتن و به فراموشی سپردن است. قرآن کریم می فرماید: «فاصفح الصفح الجمیل، از دشمنان به خوبی صرف نظر کن». امام رضا (ع) در تفسیر آیه ی فوق می فرماید: «منظور عفو کردن بدون سرزنش است» (مکارم شیرازی، ص ۱۲۸).

مرحله سوم، غفران به معنای پوشاندن آثار خطا و گناه است که مردم همه آن را به فراموشی بسپارند (مکارم ۴۲۱). این مرحله عالی ترین درجه ی عفو است که اولیای الهی به آن دست یافتند البته درجه ی بالاتر از این هم در قرآن مجید مطرح شده که عبارت است از: پاسخ بدی را با نیکی دادن، آن جاکه می فرماید: «ادفع بالتی هی احسن. بدی را با خوبی دفع کن.» (مومنون، ۲۳). بنابراین همه ما وظیفه داریم از مرحله عفو فراتر رویم و بدی را با نیکی پاسخ دهیم، کاری که تحمل آن برای هر کس میسر نیست. به همین دلیل در آیه ی دیگری فرماید: به این مرحله نمی رسند جز کسانی که دارای صبر و استقامت اند و کسانی که بهره عظیمی از ایمان و تقوا دارند (فصلت، ۳۵).

۴- گونه ها و زمینه های عفو:

- گاهی شخصی ناگزیر از عفو کردن است، زیرا قدرت بر انتقام ندارد و نمی تواند قصاص کند.
- گاهی قدرت بر قصاص و یا انتقام هست، ولی چون موجب زحمت و درگیری می شود راحت طلبی مانع انتقام می گردد.
- شخص قدرت بر انتقام دارد و راحت طلب هم نیست، اما با انگیزه خداخواهی و برای کسب خشنودی خدا، دست از انتقام برمی دارد و گذشت می کند.

بدیهی است که از نظر آموزه های دینی قسم سوم بار مثبت دارد و ارزش محسوب می شود. امام صادق (ع) می فرماید: «العفو عند القدرة من سنن المرسلین و المتتین، عفو هنگام قدرت، روش فرستادگان الهی و اهل تقواست.» (سفینه البحار، ص ۲۰۷).

نمونه ی بارز این عفو بر خورد بزرگوارانه ی پیامبر (ص) در فتح مکه با سردمداران کفر است، در حالی که در اوج قدرت قرار داشت، هنگامی که ابوسفیان و عبدالله ابن امیه، اظهار پشیمانی کردند. امیر مومنان (ع) به آن ها فرمودند: بروید در مقابل پیامبر (ص) بنشینید و همان جمله ای را که برادران یوسف در مقام عذرخواهی بر زبان جاری کردند، بگویید پیامبر شما را خواهد بخشید. آنان چنین کردند و قاضی عفو نمودند. حضرت نیز آنان را بخشید. این در حالی بود که یکی از فرماندهان سپاه به نام "سعد بن عباد" با ورود به شهر مکه شعاری داد «الیوم یوم الملمحه. امروز روز جنگ و نبرد است. اما پیامبر اکرم (ص) سخت بر آشفت و به امام علی (ع) دستور داد پرچم را از دست او بگیرد. آن گاه فرمود: «بل الیوم یوم المرحمه، امروز روز رحمت و بخشش است.» (همانجا).

هنگامی که پیامبر (ص) وارد مسجد الحرام شد خطاب به قریشیان فرمود: چه می گوید؟ گمان می کنید درباره ی شما چه خواهیم کرد؟ جواب دادند: خیر و خوبی، سهیل بن عمرو گفت: مادر باره ی شما خیر می گوئیم و به شما گمان خیر داریم، تو برادر کریم ما و پسر برادر کریم ما هستی که امروز قدرت به دست آورده ای. مردم در انتظار شنیدن سخن پیامبر (ص) و تصمیم ایشان بودند که ناگاه صدای گرم و نافذ آن حضرت، سکوت مسجد را شکست و با قاطعیت فرمود: «اذهبوا فانتم الطلقاء، بروید که همه شما آزادید» این سخن کوتاه، طوفانی از شور و شادی به پا کرد و پس از این عفو عمومی، همه ی آنان اسلام آوردند (ابن ابی الحدید، ج ۱۷، ص ۳۷۲).

۵- انگیزه های عفو:

- گاهی شخص فقط برای خودسازی، دست از انتقام می کشد و با تحمل سختی ها و تمرین و صبوری، در برابر خواهش های نفسانی مقاومت می کند تا به کمال صبر و بردباری دست یابد و از نظر روحی، قوی و نیرومند گردد.

- گاهی عفو تاکتیکی دارد، یعنی به دلیل نامساعد بودن شرایط برای انتقام گیری، به انتظار روزی می نشیند تا دشمن ضعیف یا قوی شود.

- گاهی شخص نه برای خودسازی و نه به دلیل عدم توانایی، بلکه به انگیزه ی تربیتی برای همیشه از انتقام صرف نظر کند تا متجاوز را تربیت کند و او را از ارتکاب دوباره ی این عمل زشت، بازدارد، زیرا انسانی که در کمال قدرت است؟ وقتی از تجاوز کسی که ضعیف تر از اوست می گذرد به طور طبیعی، او را تحت تأثیر قرار خواهد داد و وجدان اخلاقی وی را بیدار خواهد ساخت (مصباح یزدی، ج ۳، ص ۳۹۴).

می توان گفت: بعضی اوقات عفو انسان را جسور می کند و مرتکب جرم مجدد می شود و بعضی اوقات وجدان خفته انسان را بیدار می کند و انسان برای همیشه دست از خطایر می دارد، پس باید جنبه مثبت آن را در نظر داشت (نگارنده).

۶- موارد استثناء عدم عفو**۶-۱- عدم تأثیر عفو**

گاهی شرایط روحی، روانی و تربیتی شخص خطا کار به گونه ای است که اگر از گناهش بگذرد و بدی او را نادیده بگیرند، جسورتر خواهد شد و تجاوزش را ادامه خواهند داد. در این گونه موارد، حفظ نظم عمومی و پیش گیری از تکرار جرم ایجاب می کند از عفو صرف نظر شود و مجازات به صورت عادلانه صورت گیرد.

دستور قرآن مجید درباره ی مقابله مثل ممکن است ناظر به این مورد باشد. آن جا که می فرماید: «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم، کسی که بر شما تعدی کرده همانند آن بر او تعدی کنید.

در احادیث اسلامی نیز به استثناء اشاراتی پرمعنادیده می شود. امام علی (ع) می فرماید: «العفو یفسد من اللئیم بقدر اصلاحه من الکریم. عفو و گذشت، افراد پست را فاسد می کند به همان اندازه که افراد با شخصیت را اصلاح می نماید (ابن ابی الحدید).

البته درباره ی کسانی که به گناه و جنایت عادت کرده و انجام اعمال خلاف در روح و جانشان ملکه شده، عفو نمی تواند کار ساز باشد، اما درباره ی کسی که برای بار نخست دست به جرمی می زند، چه بسا عفو و گذشت کار ساز تر از مجازات باشد. امام علی (ع) می فرماید: «فاذا استحق احد منهم ذنباً فاحسن العدل فان العدل مع العفو اشد من الضرب لمن كان له عقل، زیرا عدالت همراه با عفو و گذشت، برای انسان عاقل شدیدتر از اجرای مجازات است.» (حرانی، ۱۳۸۰).

حضرت در این سخن اشاره می کند که عفو و گذشت هرگز به معنای عدم اجرای عدالت نیست، زیرا اجرای عدالت تنها به اجرای مجازات منحصر نمی شود، حکم به مجرمیت و اثبات مسئولیت کیفری برای فرد نیز خود اجرای عدالت است.

۶-۲- عفو در مسائل عمومی

هر چند عفو در مسائل شخصی پسندیده است اما در مسائل عمومی و حقوقی الهی و تعزیرات شرعی و انیست بلکه مذموم و نکوهیده است. سنت و روش پیامبر اکرم (ص) این بود که متجاوز به حقوق الهی را مجازات می کرد و حد خدا را بر او جاری می ساخت و شفاعت هیچ کس را نمی پذیرفت.

زنی از خاندان اشراف به نام «فاطمه» مرتکب سرقت شده بود. قبیله بنی مخزوم کوشیدند تا مانع اجرای حد الهی شوند از این رو اسامه بن زید را واسطه قرار دادند تا از پیامبر (ص) تقاضای عفو نماید. هنگامی که اسامه در این باره گفت و گو کرد حضرت بسیار ناراحت شد و فرمود: آیا درباره ی حدی از حدود خدا شفاعت می کنی؟ سپس از جاحرکت کرد و ضمن خطبه ای فرمود: به خدا سوگند اگر دخترم فاطمه دست به چنین کاری بزند، حکم خدا را درباره ی او اجرامی کنم و در برابر قانون خدا، فاطمه مخزومی با فاطمه محمدی، یکسان است (صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۱۴).

در حدیث است که روزی امیرالمومنین (ع) در یکی از کوچه باغ های کوفه می رفت که صدایی شنید: الغوث، به فریادم برسید. معلوم شد که دونفر باهم زد و خورد می کنند تا امام رسید دعوی آن دو تمام شد. هنگامی که آن حضرت خواست ضارب را جلب کند و ببرد، مضروب گفت: من از او گذشتم. امام (ع) فرمود بسیار خوب، تو گذشتی این حق خصوصی خودت است، اما یک حقی هم سلطان دارد یعنی یک حقی هم حکومت دارد این را دیگری نمی توان بگذری (مطهری، ج ۴، ص ۶۲).

البته حاکم اسلامی در مواردی که صلاح بداندمی تواند بنا بر حکم حکومتی، از اجرای مجازات الهی جلوگیری کند. در تاریخ آمده است: مردی نزد امام علی (ع) آمد و به سرقت خود اقرار کرد حضرت فرمود: آیا چیزی از کتاب خدای خوانی؟ عرض کرد بله سوره بقره را فرمود دستت را برای سوره ی بقره بخشیدم. اشعث بن قیس که از سر کرده ی منافقان بود اعتراض کرد: آیا خدا را تعطیل می کنی؟ حضرت فرمود تو درک نمی کنی که حد درجایی جاری می شود که سرقت باینه و دلیل اثبات شود اما اگر سارق خود اقرار نماید، امام می تواند او را عفو یا دستش را قطع را کند (طوسی، ج ۴، ص ۲۵۲).

اگر در هیچ از موارد جنایت، قصاص در کار نباشد و همیشه عفو و اغماض جای قصاص را بگیرد، قانون قصاص تأثیر خود را از دست خواهد داد و تبه کاران با خیال راحت به کار خود ادامه خواهند داد. در حالی که قرآن مجید قصاص را مایه ی حیات جامعه اسلامی می داند.

امامان معصوم در طول حیات مبارکشان از هر در و روش عفو مجازات استفاده کرده اند. امام حسن (ع) قاتل پدرش را نبخشید و امام سجاد (ع) پس از شنیدن خبر کشته شدن قاتلان کربلا، سجده شکر به جا آورد.

البته وجود این گونه استثنائات نباید سبب سوء استفاده قرار گیرد و هر کس به بهانه ی این که عفو گذشت سبب جرأت و جسارت خطاکاران است به انتقام جویی بپردازد، بلکه باید از روی خلوص و عدم تعصب موارد استثناء را شناخت و به آن عمل کرد. به هر حال درست است کسی که عادت به خطا و گناه کرده است، عفو نمی تواند در مورد او کار ساز باشد ولی به نظر من همین انسانی که چند بار مرتکب خطا و بزه شده و مورد عفو قرار گرفته ممکن است یک لحظه به خود آید و دست از خطا بردارد (نگارنده).

۷- آثار فردی و اجتماعی عفو گذشت

عفو گذشت آثار مثبت بسیاری دارد که در این قسمت به مهمترین اثرات آن اشاره میشود.

۷-۱- پاداش اخروی

امام علی (ع) می فرماید: «العفو مع القدره جنه من عذاب الله سبحانه، عفو و گذشت به هنگام قدرت، سپری است در برابر عذاب الهی» (تمیمی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۸). پیامبر اکرم (ص) می فرماید: هنگام برپاشدن قیامت، ندادنده ای فریادمی زند: هر کس اجرا بر خداست وارد بهشت شود گفته می شود چه کسی اجرش بر خداست در پاسخ می گویند: کسانی که مردم را عفو کردند، آنان بدون حساب داخل بهشت می شوند (طبرسی ۱۳۷۹، ص ۳۴).

۷-۲- عزت

عفو گذشت، سبب عزت و آبرومی گردد، زیرا این خصلت نیکو در نظر مردم نشانه بزرگواری و شخصیت وسعه ی صدر است، در حالی که انتقام جویی نشانه کوته فکری و عدم تسلط بر نفس می باشد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «علیکم بالعفو فان العفو لا یزید الا عزاً، بر شما باد عفو و گذشت که عفو چیزی جز عزت بر انسان نمی افزاید.» (کلینی، ج ۲، ص ۱۰۸). آدمی هر قدر بزرگ باشد با انتقام گیری، ارزش خود را از دست می دهد و در زندان فکر عمومی کوچک می شود. امام علی (ع) می فرماید: «سیادت و بزرگی با انتقام جویی ناسازگار است.» (تمیمی، ۱۳۸۰، ص ۳۵۹).

۷-۳- صفای باطن

عفو، مانع خشونت، کینه توزی و جنایت می شود همان طوری که انتقام جویی، سبب برافروخته شدن آتش کینه دردل می گردد. رسول اکرم (ص) می فرماید: «تعافوا تسقط الضغائن بینکم» یکدیگر را عفو کنید که دشمنی و کینه هارا از بین می برد (متقی هندی، ج ۳، ص ۳۷۳).

۷-۴- سلامت جسم

عفو و گذشت، موجب پایین آمدن فشارهای روحی می شود و از این راه مقاومت طبیعی بدن در برابر بیماری ها بیشتر می شود. تحقیقات انجام شده دلالت می کند که با بالا رفتن میزان عفو و گذشت افراد شکایت از سردرد، دل پیچه و دیگر بیماری های روان-تنی کاهش یافته است. گزارش های رسیده حاکی از این است که بیماری های قلبی و عروقی در افراد کینه توز، بیشتر از افراد دیگر است (مجله تربیت اسلامی، ش ۴، ص ۳۰۳).
در روایات معصومین نیز موضوع طول عمر مطرح شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: من کثر عفو مدفی عمره، کسی که عفویش افزون گردد عمرش طولانی می شود. (میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۰۱۳).

۷-۵- سلامت روانی

مطالعه ی بررسی های تجربی و بالینی نشان می دهد که عفو و گذشت، در کاهش اضطراب و افسردگی، عصبانیت و پرخاش گری، اختلالات عاطفی-رفتاری و افزایش اعتماد به نفس، پیشرفت تحصیلی و کارایی در محیط های حرفه ای، موثر بوده است (همان).

۷-۶- اصلاح روابط اجتماعی

تحقیقات فراوان نشان داده است که عفو و گذشت در اصلاح روابط بین افراد بسیار موثر است. وقتی که افراد یکدیگر را می بخشند روابط آن ها پایدارتر می شود و می توانند دوستی و پیوند خود را حفظ کنند. قرآن مجید می فرماید: خوبی و بدی برابر نیستند، همواره به نیکوترین وجه پاسخ بدی را بده تا کسی که میان تو و او دشمنی است، چون دوست مهربان تو گردد (فصلت، ۳۴).

۷-۷- جلب رحمت و عفو الهی

امام علی (ع) می فرماید: عفو و گذشت، موجب نزول رحمت الهی است. (تمیمی، ج ۲، ص ۱۸۲).
قرآن مجید می فرماید: «فلیعفووا ولیصفحو الا تحبون ان یغفرالله لکم، باید عفو کنید و چشم بپوشند، آید دوست نمی دارید خداوند شمارا ببخشد؟» (نور، ۲۲). بنابراین خدایی که دارای چنین عظمتی است، باین که مابارها مرتکب گناه می شویم باز ما را می بخشد پس جادار دما انسان های عادی هم همیشه عفو و گذشت داشته باشیم (نگارنده).

۸- راههای رسیدن به عفو و دوری از انتقام

انسان به طور طبیعی انتقام جو و قدرت طلب است. اما چگونه می توان خطای دیگران را نادیده گرفت؟ با بررسی آیات و روایات متعدد می توان به نکاتی رسید که با رعایت و پروراندن آنان، انسان را به صفت بارزش گذشت و عفو نائل می سازد.

۸-۱- صبر

قرآن مجید، راه به دست آوردن این صفت بزرگ را صبر و استقامت می داند: «وما یلقیها الا الذین صبروا به این مقام بلند نمی رسد مگر کسانی که دارای صبر و استقامت باشند» (فصلت، ۳۵). منظور از صبر، مقاومت در برابر هوای نفس و خواسته ی دل است. صابران با مهارت مایلات درونی و غرایز حیوانی و تسلط بر نفس، طعم شیرین گذشت را می چشند.

۸-۲- توجه به پاداش الهی

امام علی(ع) می فرماید: «شیئان لایوزون ثوابهما العفووالعدل، دو چیز است که ثوابشان به وزن نمی آید، عفو و عدل» (تمیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۴).

-پناه بردن به خدا

یکی از راه های به دست آوردن عفو و رهایی از کینه و بدخواهی، استمداد از پروردگار است چنان که قرآن مجید خواسته ی مومنان واقعی را خلاصی از این صفت ناپسند می داند و می فرماید: «ربنا اغفر لنا و لآخواننا الذین سبقونا و لاتجعل فی قلوبنا غلاً للذین آمنوا». (حشر، ۵۹). خدایا ما را و برادران ما را که پیش از ما بوده اند بیامرز و کینه به مومنان را در دل ما جای مده. در مواردی که انسان می خواهد در برابر بی مهری دیگران، مهرورزی کند و از بدی آنان صرف نظر نماید شیطان وسوسه می کند و او را از این کار باز می دارد. در این صورت باید به خدا پناه برد و از او کمک خواست، چنان که قرآن مجید می فرماید: «و اما یزغک من الشیطان نزع فاستعذ بالله انه هو السميع العليم هرگاه وسوسه هایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه طلب که او شنونده و آگاه است.» (فصلت، ۳۶).

-توجه به عفو الهی

کسی که لغزش دیگران را نادیده بگیرد، خدای متعال نیز گناهان او را نادیده می گیرد و به او رحم می کند. قرآن می فرماید: اگر عفو کنید و صرف نظر نمایید و ببخشید (خدا شما را می بخشد) چرا که خداوند بخشنده و مهربان است (تغابن، ۱۴). بنابراین انسان در پرتو سعادت عفو است که وجدان خفته اش مالامال از پاکی و صفای باطن است و انسان به خوشبختی و سعادت می رسد و احساس آرامش و راحتی می کند. (نگارنده)

۸-۳- توجه به زبان های کینه و انتقام

۸-۳-۱- فرومایگی

فردی که در صدا انتقام برمی آید و یاکینه ی کسی را به دل می گیرد، کرامت نفس خود را مخدوش می سازد. امام علی(ع) می فرماید: سبقت در انتقام، از اخلاق فرومایگان است. آن حضرت انتقام را از بدترین کارهای شخص توانامی داند (همو، ج ۲، ص ۲۰).

۸-۳-۲- رنج و نگرانی

امام علی(ع) کینه و عدم گذشت را مایه ی لذت نبردن از زندگی می داند به نظر روان شناسان، نبخشیدن دیگران و کینه توزی موجب غم و اندوه و افسردگی می شود. در مقابل، عفو کردن خود و دیگران دادن یک رأی مثبت بهتر زیستن در زمان حال است. «وقتی از بخشیدن دیگران امتناع می کنیم در واقع می گوئیم من ترجیح می دهم به جای آن که قدمی در جهت بهبود اوضاع بردارم، در گذشته زندگی کنم. وقتی خود را نمی بخشیم در واقع ماندن در احساس گناه را بر می گزینیم و بدین ترتیب خود را در رنج روحی بیشتر قرار می دهیم و در واقع این ما هستیم که رنج می بریم، در پنجاه درصد موارد آن که خطا کرده حتی خبر ندارد که در سر ما چه می گذرد او زخم معده نمی گیرد و افسرده نمی شود، او احساس تلخی در دهانش احساس نمی کند، کینه ورزی، یکی از اصلی ترین علل بیماری هاست. (اندرومیتوس، ص ۴۹، ۵۰).

یک ضرب المثل قدیمی می گوید: کسی که نمی تواند دیگران را ببخشد و عفو کند، پلی را که روزی باید خودش از روی آن عبور کند، می شکند.

((چارلز فیلمور)) عفو و بخشایش را درمان قطعی هر درد می داند و می گوید: "عفو و بخشایش، درمان ذهنی برای علاج هر گونه بیماری است. هر شب پیش از خواب نیم ساعت بنشینید و هر کس را که مورد پسند و تأیید تان نیست ذهناً ببخشایید و عفو کنید هرگز شبی را با این اندیشه که در گوشه ای از جهان دشمنی دارید سر بر بالین نگذارید." (پاندر، ص ۵۱، ۵۲).

۸-۳-۳- منفی نگری

افرادی که نمی توانند خطاهای دیگران را ببخشند، نه تنها خطاهای کوچک را بزرگ می کنند بلکه به علت کینه توزی، کارهای مثبت دیگران از قبیل: محبت، صفا و صمیمیت را نیز نادیده می گیرند و می پندارند آنان بانیرنگی دوباره می خواهند آن ها را فریب دهند. این گونه افراد حتی به دیگران نیز بدبین می شوند، زیرا خطای اتفاق افتاده را به آنان نیز تعمیم می دهند.

۸-۳-۴- ضعف در شناخت

افراد کینه توز به دلیل روحیه ی بدبینی، از شناخت صحیح و تجزیه و تحلیل مسائل بازمی مانند، زیرا بزرگ جلوه دادن اشتباهات افراد نمی گذارد تا خوبی ها و بدی ها را با هم و در بافت خودشان ملاحظه کند.

۸-۳-۵- برچسب زدن

زمانی که نتوانیم خطای افراد را ببخشیم، توجه ما از خود خطابه فرد خطا کار معطوف می شود و به جای تقبیح خطا، خطا کار را سرزنش می کنیم، مثلاً نمی گوئیم: رفتار او تند بود بلکه می گوئیم، او آدمی تندی است.

۸-۳-۶- خسران معنوی

فرد کینه توز بیش از هر چیز از حیث معنوی متضرر می شود، چون از خدا دور می گردد. امام صادق (ع) در کنار شراب خوار، کینه توز را نیز از جمله افرادی ذکر کرده که در شب قدر دعایش مستجاب نمی شود (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۵). پیامبر اسلام (ص) شهادت افراد کینه توز را مقبول نمی داند و این امر نشان دهنده ی فسق و عدم صلاحیت اخلاقی فرد کینه توز می باشد.

امام صادق (ع) می فرماید: خدا عمل مومنی را که در دلش بدخواهی برادر مومنش را داشته باشد نمی پذیرد (همو، ص ۳۱۶).

۸-۳-۷- گرایش به بدی ها

اگر کینه و انتقام جویی در دل خانه کرده، به دنبال خود، انسان را به گناهان دیگری نیز می کشاند. بعضی از علمای اخلاق هشت رذیله ی اخلاقی را ثمره ی کینه توزی می دانند:

۱- حسادت؛ ۲- شماتت؛ ۳- قهرو جدایی؛ ۴- بی احترامی و تحقیر دیگران؛ ۵- دروغ و غیبت و افشاکاری و تهمت؛ - استهزاء؛ ۷- اذی و آزار رساندن؛ ۸- بازماندن از واجبات، مثل صلح ی رحم یا ادای دین و غیره. (محجه البیضاء، ج ۵، ص ۳۱۷).

نتیجه گیری

با مباحثی که مطرح شد می توان به این نتیجه رسید که بحث عفو و گذشت از مباحث مهم اجتماعی و انسانی است که البته در یکی از مباحث مهم اسلامی است که جایگاه مهمی در فقه دارد. از نظر روانی عفو و بخشش باعث آزادی و رهایی انسان از کینه و دشمنی شده و باعث آرامش خیال انسان میشود که خود از بسیاری از بیماریها جلوگیری می کند. از طرفی روابط بین انسانی را بهبود بخشیده و عفو و گذشت باعث آن می شود که انسانها با آرامش بیشتری در کنار هم زندگی کنند و از طرفی از بسیاری از مواردی که بحث انتقام در پی دارد در امان می ماند.

اما اگر چه در اسلام همیشه تاکید بر عفو و بخشش شده است اما در مواردی در فقه که عفو به ضرر جامعه باشد حکم به قصاص داده است تا عدالت در جامعه برقرار گردد یعنی آنگاه که باعث تضییع حق کسی نشود باعث ایجاد صلح و دوستی در جامعه شده و باعث می شود که جامعه با کمترین برخورد و خشونت روبرو باشد و این مهم مخصوصاً در دوران کنونی ما که در بسیاری از جوامع اختلافات مختلف وجود دارد کارساز خواهد بود و این پیامی است که عفو و گذشت اسلامی برای همه اقشار جامعه به ارمغان می آورد.

منابع

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه.
۲. اندرومتیوس، رازشادزیستن، وحیدافضلی راد.
۳. پانلر، کاترین، قانون شفا، ترجمه گیتی خوشدل.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ه.ق ۱۳۸۰، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مترجم مصطفی درایتی. انتشارات ضریح آفتاب.
۵. حرّانی، ابومحمّد حسین بن علی بن الحسین، ۱۳۸۰ هـ.ش، تحف العقول. ترجمه ی آیت الله محمد کمره‌ای، انتشارات کتابچی.
۶. دورانت، ویل، ۱۳۶۸ هـ.ش، تاریخ تمدن. ترجمه ی اسماعیل دولتشاهی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۷. سفینه البحار، ماده عفو، به نقل از محمد سبحانی نیا، نشریه معارف اسلامی.
۸. سیر حکمت در اروپا، به نقل از مرتضی مطهری، عدل الهی.
۹. سیره ی حلبی، به نقل از محمد سبحانی نیا، نشریه معارف اسلامی.
۱۰. صحیح مسلم، به نقل از محمد سبحانی نیا، نشریه معارف اسلامی.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسن، ۱۳۹۳ هـ.ق، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه ی مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۲. طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، ۱۳۷۹ هـ.ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۹ هـ.ق، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب العلم الاسلامی.
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۴۳ هـ.ش، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ترجمه محمد تقی دانش، تهران.
۱۵. قرطبی، محمد بن احمد، ۱۹۶۶ م، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶. قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بابویه، ۱۴۱۲، من لا یحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
۱۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی.
۱۸. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام. ۱۴۱۹ هـ.ق، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، (۱۸ جلدی)، حلب، مکتبه التراث الاسلامی.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ هـ.ق، بحار الانوار، بیروت، انتشارات مؤسسه الوفاء.
۲۰. محجه البيضاء، به نقل از محمد سبحانی نیا، نشریه معارف اسلامی.
۲۱. محقق حلّی، جعفر بن حسن، ۱۳۷۷ ق، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ سنگی، مکتب العلمیه الاسلامیه.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۰، میزان الحکمه، انتشارات مکتب اعلام اسلامیه.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، فلسفه اخلاق، انتشارات صدرا.
۲۴. معین، محمد، ۱۳۵۳ هـ.ش، فرهنگ معین، تهران، مؤسسه ی انتشارات امیرکبیر.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۱۸ هـ.ق، انوار الفقهیه، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، الطبعة الاولى.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ هـ.ش، تفسیر نمونه، (۳۰ جلدی)، انتشارات دارالکتب اسلامیه.
۲۷. هندی، فاضل، ۱۴۱۶ هـ.ق، کشف اللثام عن القواعد الاحکام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.